



بازآفرینی شهری با تأکید بر شناسایی و تحلیل خوشه‌های خلاق فرهنگی (مطالعه موردی: بافت تاریخی - فرهنگی شیراز)

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران

پگاه ایزدی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران

زهره هادیانی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

علی حاجی‌نژاد*

استادیار گروه اقتصاد شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

جعفر قادری

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

چکیده: راهبردها و نظریات مختلفی برای حل مشکلات ناشی از پدیده افت شهری و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی آن، ارائه شده‌اند که در رهیافت بازآفرینی شهری خلاصه می‌شوند. بازآفرینی بر مبنای تولید فرهنگ به عنوان رویکرد نوین بازآفرینی، از صنایع خلاق حمایت کرده و از توسعه خوشه‌های این صنایع به عنوان محور بازآفرینی استفاده می‌کند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال آن است تا به ارزیابی موقعیت بافت تاریخی - فرهنگی شهر شیراز در ارتباط با شاخص‌های شهر خلاق و نیز به بررسی توسعه خوشه‌های صنایع فرهنگی در این محدوده بپردازد و به شناخت زمینه‌های تحقق بازآفرینی بر مبنای تولید فرهنگی در محدوده مورد مطالعه دست یابد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن هستند که بافت تاریخی - فرهنگی (منطقه ۸ شهرداری) با ضریب برخورداری ۰/۵۸، در طبقه نسبتاً برخوردار از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق در شهر شیراز قرار دارد. با این حال بررسی‌های مرتبط با توسعه خوشه‌های صنایع و کسب‌وکار فرهنگی نشان می‌دهند که با وجود تمرکز جغرافیایی و خوشه‌ای دو رسته فعالیت صنایع بومی و دستی و صنایع چاپ و نشر، فقدان شبکه همکاری و پیوند مؤثر میان نهادهای مرتبط با هر رسته، باعث شده تا توسعه خوشه‌های صنایع خلاق در محدوده تحقق نیابد. سایر رسته‌های شناخته شده فرهنگی در محدوده بافت؛ شامل موزه‌ها و مؤسسات فرهنگی، فاقد توزیع جغرافیایی خوشه‌ای و نیز دارای سطح پایین تراکم پیوند در شبکه نهادی خود می‌باشند.

واژگان کلیدی: صنایع خلاق، توسعه خوشه‌ای، شهر خلاق، بازآفرینی، شهر شیراز

طبقه‌بندی JEL: O14, O16, P25, N15

۱- مقدمه

امروزه شهرهای تاریخی ایران به رغم پیشینه درخشان، با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند و هسته این شهرها به دلیل مشکلات کالبدی- فعالیتی، از پرمسأله‌ترین نقاط شهری هستند؛ مشکلاتی که گستره آن تمامی شهر را دربر می‌گیرند. این مشکلات زمانی پررنگ‌تر جلوه می‌کنند که با وجود ارائه طرح‌های مفصل احیا و بازسازی جهت حل این معضلات، طرح‌های ارائه شده موفق عمل نمی‌کنند و در بسیاری از موارد، باعث فرسودگی بیشتر آنها می‌شوند.

به منظور حل مشکلات ناشی از پدیده افت شهری و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی آن، در ادبیات نظری ساماندهی مناطق فرسوده شهری، راهبردها و نظریات مختلفی ارائه شده‌اند که در رهیافت بازآفرینی شهری خلاصه می‌شوند. رهیافت بازآفرینی در طول تکامل خود، رویکردهای متفاوتی را برای رویارویی با مشکل افت شهری ارائه کرده است. در سال‌های اخیر تغییر ماهیت توسعه و رشد اقتصادی، گرایش به صنعت‌زدایی و جهانی شدن، شهرها را در رقابت پایان‌ناپذیری برای جذب گردشگر، مالیات‌دهنده و صاحبان مشاغل و کسب‌وکار، قرار داده است. در این رقابت، شهرها، یک مدل نرم را برای توسعه زیرساخت‌های شهری پذیرفته‌اند؛ به‌طوری که در چهل سال گذشته، به تدریج نوعی برنامه‌ریزی فرهنگ‌گرا در ادبیات برنامه‌ریزی شهری و به تبع آن، بازآفرینی شهری به وجود آمده است (Rasmussen. et al., 2010). مواجهه شهرهای امروز با سیستم اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی، باعث شده تا شهرها بیش از پیش بر منابع داخلی خود مانند: تاریخ، فضاها و نیروی خلاق تکیه کنند. فشار جهانی شدن و به تبع آن، مشکلاتی که به دلیل تغییر ساختار اقتصادی به‌وجود آمده و همچنین نیاز به ایجاد هویت جدید، باعث شده شهرها از دارایی‌های فرهنگی خود به منظور تمایز هویت و نیز بازآفرینی بافت شهری استفاده کنند (Richards & Palmer, 2010). بازآفرینی بر مبنای

فرهنگ به عنوان رویکرد نوین بازآفرینی، از صنایع خلاق حمایت کرده و همچنین پاسدار هویت و فرهنگ محلی منطقه نیز می‌باشد. هدف از این رویکرد در بازآفرینی، جست‌وجو برای یافتن آثاری هرچند اندک از مبادی فرهنگی، تاریخی، آیینی و هنری است تا عامل برون‌زای فرهنگ به مثابه مؤلفه انسجام‌بخش این بارقه‌های پراکنده، وارد چرخه بازآفرینی شود (لطفی، ۱۳۹۰).

امروزه بافت تاریخی شهر شیراز نیز به دلیل برخی از معضلات و مشکلات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی، جاذبه خود را از دست داده است. رشد شهر شیراز با سرعت به سمت جنوب و شمال‌غرب ادامه دارد و در این بین، مناطق تاریخی روز به روز با از دست دادن ساکنان اصیل و قدیمی خود، به یکی از فرودست‌نشین‌ترین مناطق مسکونی شهر شیراز تبدیل می‌شوند. از این رو در این تحقیق، به شناخت و ارزیابی موقعیت بافت تاریخی- فرهنگی شهر شیراز در ارتباط با شاخص‌های شهر خلاق پرداخته و نیز توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق بررسی شده تا بدین صورت به شناخت زمینه‌های تحقق بازآفرینی بر مبنای تولید فرهنگی در محدوده مورد مطالعه دست یابیم. در این راستا، اهداف فرعی این مقاله عبارتند از:

- طبقه‌بندی و رتبه‌بندی مناطق شهرداری شیراز براساس شاخص‌های شهر خلاق و شناخت جایگاه منطقه مورد مطالعه
- شناسایی خوشه‌های خلاق فرهنگی در منطقه تاریخی و فرهنگی شیراز.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

لندری، یکی از معروف‌ترین پژوهشگرانی است که در مورد شهرهای خلاق مطالعه کرده و دیدگاه رادیکالی جدیدی نیز در مورد این موضوع دارد. از نظر وی شهرها نیاز به خلاقیت دارند؛ نه به دلیل دستیابی به رقابت در

صنایع با ارزش‌افزوده جدید بلکه برای حل مسائل اجتماعی. به عبارت دیگر، لندری، خواهان دیدگاهی خلاق برای حل مسائل شهری در ابعاد و جنبه‌های مختلف است؛ نه این‌که خلاقیت محدود به عرصه‌های هنر و صنایع، طراحی شود (قربانی، ۱۳۹۲).

لندری و بیانچینی^۱ (۱۹۹۵)، کتاب شهرهای خلاق را منتشر کردند که در آن، مفهوم شهرهای خلاق به‌عنوان عکس‌العملی در مقابل مسائل شهری در مواجهه با بحران شهری بین‌المللی که در مرحله گذار به فراصنعتی و اقتصاد جهانی رخ داده است، در نظر گرفته شده است.

مک کارتی^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی تجربه بازآفرینی ناحیه تاریخی تمپل بار^۳ شهر دوبلین با استفاده از صنایع فرهنگی در قالب نواحی و خوشه‌های خلاق پرداخته است. این ناحیه تاریخی برجای مانده از قرون وسطی، پس از آن‌که با معضلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بی‌شمار و انبوهی از سایت‌های متروکه و فاقد کاربری روبه‌رو شد، با استفاده از صنایع و خوشه‌های فرهنگی و خلاق، دوره جدید و پویای حیات خود را آغاز کرده است.

موماس^۴ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «خوشه‌های فرهنگی و شهر فراصنعتی؛ به سوی جانمایی مجدد سیاست فرهنگی شهر»، به بررسی پدیده خوشه‌های فرهنگی در هلند پرداخته و سیاست‌گذاری‌های دولت در رابطه با خوشه‌های خلاق را بررسی کرده است. وی مهم‌ترین عامل در بسط خوشه‌های فرهنگی را تغییر ارتباط بین فرهنگ (مکان) و تجارت (بازار) می‌داند.

بینز^۵ (۲۰۰۵) در مقاله «سرمایه‌گذاری در فرهنگ: یک ارزیابی از سیاست بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور»، به تشریح مدل‌های بازآفرینی بر مبنای فرهنگ پرداخته است. وی سرمایه‌گذاری در تولید فرهنگی را حرکت به

سوی توسعه صنایع فرهنگی می‌داند که محرک محوری در بازآفرینی شهری است.

بگول^۶ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با اشاره به سیاست توسعه خوشه‌های اقتصادی به عنوان وسیله بازآفرینی مناطق داخلی شهری در شهر لندن، به ارزیابی منطقه فرینج سیتی^۷ پرداخت که در آن، شش منطقه خوشه خلاق برنامه‌ریزی شده است. وی در این تحقیق، به این مسئله پرداخته که این خوشه‌ها تا چه اندازه به دلیل موقعیت قرار گرفتن در مرکز شهر، از مزیت رقابتی برخوردار شده و همچنین چقدر در بازآفرینی منطقه سهمیم هستند.

ب) پژوهش‌های داخلی

ملک‌آبادی و همکارانش (۲۰۱۴) در پژوهشی، به معرفی شاخص‌های شهر خلاق و ارزیابی این شاخص‌ها در مناطق شهرداری شهر اصفهان پرداخته‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از: تعداد مؤسسات سینمایی، مؤسسات مرتبط با رسانه، واحدهای انتشاراتی، کافی‌شاپ، موزه، کتابخانه، فضاهای عمومی باز، تعداد عناصر شاخص، مؤسسات آموزشی و درصد مهاجران وارد شده به منطقه. نتیجه این تحقیق نشان داد که پانزده منطقه شهرداری اصفهان به‌طور عادلانه، از شاخص‌های شهر خلاق برخوردار نیستند.

محمدی و چنگلواپی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، به تفسیر راهبرد خوشه‌ها و صنایع فرهنگی و خلاق در مرمت و احیای بافت‌های تاریخی شهری پرداختند. این راهبردها در قالب دو گروه شاخص‌های ماهوی شامل: سه حوزه فضایی، مشارکتی و عملکردی و شاخص‌های رویه‌ای شامل: نظام‌های برنامه‌ریزی توسعه، مالی و سرمایه‌گذاری، تقسیم‌بندی و در نهایت، به تبیین موضوع در قالب چارچوب مفهومی پرداخته شد.

^۱ Bianchini

^۲ McCarthy,

^۳ Temple Bar

^۴ Mommaas

^۵ Binns

^۶ Bagwell

^۷ City Fringe

۳- مبانی نظری

در چند دهه گذشته، بسیاری از شهرهای دنیا، صنعت‌زدایی را تجربه کرده و در بازساخت اقتصادی خود از تولیدات صنعتی به سمت بخش خدمات، تغییر گرایش داده‌اند. در اقتصاد فراصنعتی، منابع جدیدی برای تولید و رشد اقتصاد معرفی شده و بدین ترتیب، فعالیت‌های فرهنگی که در گذشته فرض می‌شد دارای اثرات جانبی بر بالندگی اقتصادی هستند، جایگاه مهم‌تری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کسب کرده‌اند؛ به گونه‌ای که حکومت‌های محلی، توجه شایانی به سرمایه‌گذاری و توسعه منابع فرهنگی به عنوان معیارهای توسعه اقتصادی دارند (Roberts, 2006). نگاه جدید به فرهنگ به عنوان محرک توسعه اقتصاد، تعریف منابع فرهنگی را نیز تغییر داده است. لندری، تعریف منابع فرهنگی را اصلاح کرد و آن را شامل خلاقیت، مهارت و استعداد افراد می‌داند. از نظر وی منابع فرهنگی مانند ساختمان‌ها، شی نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای از نمادها، فعالیت‌ها و تولیدات محلی در هنر، خدمات و صنایع هستند. همان‌طور که راهبردهای بازآفرینی در متن اقتصاد صنعت‌زدا به وجود آمدند، مفهوم شهر خلاق در این فضا متولد و با سیاست‌های فرهنگی انطباق یافت. شهر خلاق، محیط فرهنگی مناسبی برای ایجاد ایده‌های خلاق و راه‌حل‌های آن می‌باشد (DiMaggio & Pawell, 1983) و به بسط منابع فرهنگی با مفهومی که لندری و بیانچینی بیان کردند، می‌انجامد. شهر خلاق، مکانی است که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را به فعالیت‌های تولیدی تبدیل می‌کند (Landry, 2000). ایدنسور^۱ و همکارانش (۲۰۰۹) بر این باور هستند که امروزه، خلاقیت به بخشی از زبان متخصصان بازآفرینی و برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است. ایده استفاده از فرهنگ و خلاقیت به عنوان محرک‌های توسعه اقتصادی، فرصتی برای شهر فراهم می‌کند تا رقابت‌های اقتصادی خود را با استفاده از خلاقیت افزایش داده و زمینه‌های توسعه شهر را فراهم کند.

^۱ Edensor

از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد، شهر خلاق به عنوان یک استراتژی جدیدی رواج یافت. شهر خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری است. در این رویکرد، شهر باید بتواند محیطی جذاب برای جذب و پرورش استعدادها، نوآوری‌ها و ایده‌ها باشد و نیز از ایده و خلاقیت افراد چه افراد خاص و ویژه مانند: هنرمندان، دانشمندان و نویسندگان و چه از ایده‌های شهروندان عادی در راستای حل مسائل اساسی و نیز در پایه‌ریزی رشد و توسعه‌ای خلاق بهره‌برد. در این نگرش، فرهنگ، پایه اصلی توسعه محسوب می‌شود و سایر بخش‌ها نیز از آن متأثر هستند (Sasaki, 2008).

سرمایه‌گذاری در تولید و ایجاد شهر خلاق براساس توسعه صنایع خلاق شکل می‌گیرد که ریشه در استعداد و مهارت‌های خلاقانه افراد دارد. براساس تعریف یونسکو، صنایع خلاق، صنایعی هستند که به خلق، تولید و تجاری‌سازی مضامین نامشهود و دارای طبیعت فرهنگی می‌پردازند. این مضامین از طریق کپی‌رایت حمایت می‌شوند و می‌توانند شکل کالا و خدمات را به خود بگیرند (Caves, 2000).

بین فضا و خلاقیت ارتباط قوی وجود دارد؛ افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام‌بخشی و نمایش کارهای خود دارند. با ایجاد فضاهای اثبات و مطمئن، هنرمندان، افراد و کسب‌وکارهای خلاق، مجبور به جابه‌جایی و مهاجرت نمی‌شوند؛ زیرا جابه‌جایی و مهاجرت می‌تواند تهدیدی برای بقای خلاقیت و نوآوری باشد. در شهر خلاق، فضاهای عمومی، مکانی برای گردآمدن مردم و دمیدن روح شهروندی تحت لوای فرهنگی هستند (محمدی و مجیدفر، ۱۳۸۹). بعد از رواج مفهوم شهر خلاق، به‌طور فزاینده‌ای برنامه‌ریزان توسعه شهری و اقتصادی در اجتماعات، به هنر و فرهنگ به عنوان ابزارهای توسعه گرایش یافتند. مراکز هنرهای بصری و نمایشی، فستیوال‌ها، هنر مردمی، مراکز هنری و فرهنگی طراحی شدند. همچنین به منظور احیای بافت‌های قدیمی، جذب گردشگر، حفظ آثار

تاریخی و سنت‌های فرهنگی، ایجاد و تقویت اجتماعات محلی و حل مسائل آنها، اقداماتی انجام شده است. در واقع، هنر و فعالیت‌های فرهنگی به‌عنوان سازمان‌دهندگان تغییر شهری و عوامل رشد صنایع فرهنگی جدید؛ مثل رسانه‌های دیجیتالی قلمداد می‌شوند (Markusen & King, 2003).

شاخص‌های خلاقیت نشان می‌دهند که آیا جامعه افراد را به مشارکت و حضور خلاقانه تشویق می‌کند یا خیر. فلوریدا^۱ شاخص‌های شهر خلاق را شامل: سطح بالای تکنولوژی، تعداد فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی، سرانه ابداعات و اختراعات جامعه و تعداد نخبگان وارد شده به منطقه می‌داند. بحث اصلی وی این است که برخی از سطوح خلاقیت و ابداعات به شرایط فضا ارتباط دارد (Brecknock, 2004) و حضور خلاقانه افراد نیازمند وجود فضاهای خلاق در آن جامعه است.

شرایط امروز تجارت نشان از جهانی شدن آن دارد، فرایندی که منجر به حضور و رقابت تنگاتنگ ظرفیت‌های مختلف تجاری شده است. بنگاه‌های کوچک و متوسط، اصلی‌ترین بازیگران این صنعت بزرگ جهانی هستند. مایکل پورتر^۲ برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ با انتشار «نظریه خوشه»، موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را مرهون نحوه سازماندهی و مدیریت آنها دانسته و عمده‌ترین دلیل ضعف رقابت‌پذیری ملت‌ها را فقدان خوشه‌های توانمند در این کشورها می‌داند. وی خوشه را به‌صورت تمرکز جغرافیایی گروهی معین از شرکت‌ها و سازمان‌های مربوط در فضای مشخص، تعریف کرده است (ضرغام و حاجی محمد امینی، ۱۳۸۹).

با توجه به قرارگیری فعالیت‌های فرهنگی در بطن سیاست‌ها و برنامه‌های شهری، رهیافت توسعه خوشه‌ای در فعالیت‌ها، بنگاه‌ها و واحدهای فرهنگی نیز مدنظر قرار گرفت و در طول ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، تولید و تقویت خوشه‌های فرهنگی به‌عنوان ابزار توسعه فرهنگی شهر

به‌طور فزاینده‌ای در دستورکار قرار گرفته است. ترکیب فعالیت‌ها و عملکردهای فرهنگی از تولید تا مصرف و از تئاتر و هنرهای بصری تا موسیقی، در شکل‌های متنوع فضایی با یکدیگر دسته‌بندی می‌شوند (Mommaas, 2004). به‌طور کلی خوشه فرهنگی، به واحدهای کسب‌وکار در حیطه فعالیت‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی متمرکز شده، دارای ارتباط و همکاری تخصصی است و از چالش‌ها و فرصت‌های مشترکی برخوردارند.

در استراتژی خوشه فرهنگی، از فرهنگ و هنر به‌عنوان منابع پایان‌ناپذیر بازآفرینی استفاده می‌شود. در گذشته این استراتژی شامل: تأسیس پروژه‌ها و نمادهای بزرگ و پرهزینه مانند پروژه گرند^۳در پاریس و موزه گوگنهایم^۴ در بیلباو^۵ بود. امروزه بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا، جشنواره‌های جذاب و دیدنی، موزه‌های مجلل و مجتمع‌های تئاتر ویژه خود را ایجاد کرده‌اند. از این رو در طول چند سال گذشته، جهت‌گیری سیاست‌های بازآفرینی شهر براساس فرهنگ، از تأکید صرف بر ایجاد پروژه‌های شگفت‌انگیز تغییر یافته و بر ایجاد فضاها، محله‌ها و محیط‌هایی برای تولید فرهنگ و خلاقیت متمرکز شده است (Mommaas, 2004). علاوه بر آن، خوشه‌های خلاق فرهنگی به‌عنوان ابزار تشویق بازآفرینی مناطق داخلی شهر نیز به کار گرفته شده‌اند. در رویکرد خوشه‌ای، به جنبه‌های مثبت و پتانسیل‌های مناطق داخلی و محروم شهری بیش از مشکلات آنها توجه می‌شود. منابع بر حمایت از خوشه‌های کسب‌وکار کلیدی متمرکز می‌شوند. در نهایت این خوشه‌ها، منجر به توسعه اقتصاد محلی و تولید پول و ثروت میان ساکنان محلی می‌شوند (Bagwell, 2008). از این رو، شناخت خوشه‌های کسب‌وکار از دو بعد زیر حائز اهمیت هستند:

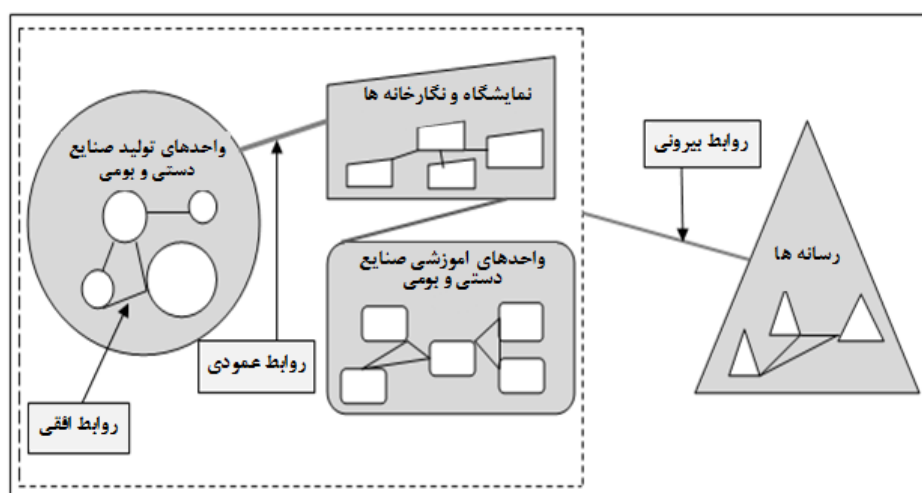
^۳ Grand
^۴ Guggenheim Museum in Bilbao

^۱ Florida
^۲ Michael Porter

خوشه‌ها به ثبت رسیده است؛ به این معنی که هرچه همکاری بیشتر باشد، توانمندی واحدهای فعال صنایع خلاق فرهنگی نیز در پشت سر گذاشتن معضلات بیشتر است (Nordin, 2003). مجتمع شدن شرکت‌های همکار یا دارای کارهای مرتبط، سبب می‌شود تا مجموعه‌ای از صرفه‌های بیرونی در محل به‌وجود آید که هزینه‌های تولیدکنندگان خوشه را کاهش می‌دهد (ملکان، ۱۳۹۰). به‌طور کلی، مفهوم همکاری از دو منظر قابل بحث است: نخست پیوندهای بیرونی؛ یعنی ارتباطی که واحدهای فعال تشکیل‌دهنده خوشه، خارج از عملکرد جمعی خود دارند و دوم، رقابت یا پیوند درونی است که خود به دو نوع رابطه افقی و عمودی قابل تفکیک است (Gollub et al., 2002). معمولاً شبکه‌های همکاری به صورت تشکلی یا صنف فعالیت می‌کنند. روابط بین بنگاهی در یک صنف را روابط افقی (مثلاً روابط بین تولیدکنندگان صنایع دستی و واحدهای عرضه‌کننده) و روابط بین صنفی را روابط عمودی می‌گویند. روابط اصلی‌ترین پیوندهای درون یک خوشه محسوب می‌شوند و نقش بسیار مؤثری در رقابت‌پذیری کسب‌وکارها ایفا می‌کنند (شکل ۱).

تمرکز جغرافیایی: از دیدگاه فلوریدا خوشه خلاق، منطقه‌ای است که گروهی از مؤسسه‌های فرهنگی در آن فعالیت می‌کنند (Florida, 2002). همچنین سینییتی^۱ (۲۰۰۸) خوشه خلاق را منطقه‌ای مشخص و شناخته شده‌ای از شهر می‌داند که در آن تمرکز بسیار زیاد فعالیت‌های فرهنگی، باعث حضور فعالیت‌ها و خدمات مرتبط شده است. براساس تعریف یونیدو (UNIDO)^۲ خوشه، مجموعه‌ای از شرکت‌ها است که در ناحیه جغرافیایی تمرکز یافته و با تهدیدها و فرصت‌های مشترکی مواجه است. در این تعاریف، به تمرکز جغرافیایی به عنوان یک مفهوم پایه در تعریف خوشه اشاره شده است.

روابط همکاری: آلتنبرگ و مایراشتامر^۳ (۱۹۹۹) در خصوص اهمیت و مزایای خوشه‌های صنعتی معتقدند که آنچه خوشه‌ها را از این چنین مورد توجه سیاست‌گذاران قرار داده، فرصت‌های مربوط به کارایی جمعی است که از صرفه‌های ناشی از مقیاس، پایین بودن هزینه‌های معاملاتی و اقدام جمعی سرچشمه می‌گیرد. به این ترتیب صرفاً تجمع مکانی بنگاه‌هایی که ارتباطی با یکدیگر ندارند، نمی‌تواند کارایی جمعی را افزایش دهد؛ بنابراین رابطه مثبتی بین همکاری و بهبود عملکرد



شکل ۱- ساختار کلی خوشه صنایع خلاق

منبع: (Gollub et al., 2002)

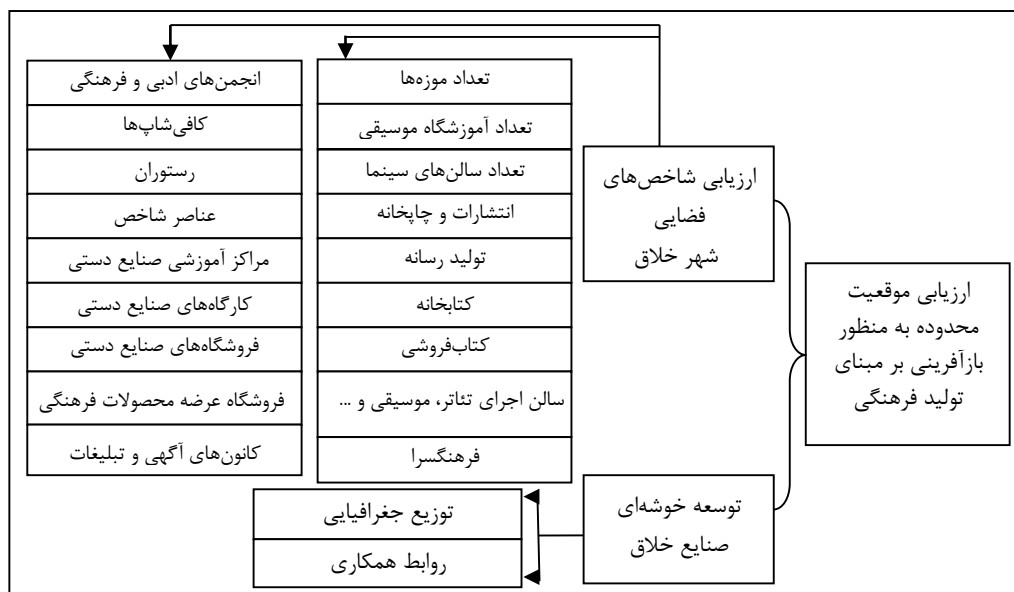
1- Ciniti

2- United Nations Industrial Development Organization

3- Altenburg and Meyer-Stamer

بر مبنای تولید فرهنگی در قالب دو مؤلفه برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق و توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق صورت گرفته و با استخراج زیرمعیارهای هر مؤلفه از ادبیات نظری و پیشینه تحقیق، چارچوب عملیاتی پژوهش مشخص گردید.

به منظور درک موضوع مورد مطالعه، در این بخش، چارچوب مرجع تحقیق، در قالب مدل مفهومی ارائه شده است. با جمع‌بندی ادبیات نظری حول رویکردهای بازآفرینی، شهر خلاق و توسعه خوشه‌ای، مدل مفهومی تحقیق با پیوند این سه مبحث به صورت شکل ۲، تدوین شده است. در این مدل، بازآفرینی منطقه مورد مطالعه



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های اسنادی که بیانگر ویژگی عملیاتی بودن شاخص‌های شهر خلاق هستند، از منابع رسمی کشور مانند: مرکز آمار ایران، شهرداری و اتاق بازرگانی شیراز تهیه شده‌اند. به‌منظور رتبه‌بندی و طبقه‌بندی شاخص‌های شهر خلاق در شهر شیراز، از مدل تاپسیس استفاده شده است. انجام محاسبات تکنیک تاپسیس به منظور رتبه‌بندی مناطق، در محیط Excel انجام شده و سپس از طریق ArcGIS، نقشه توزیع فضایی شاخص‌های شهر خلاق در مناطق شهر شیراز ترسیم شده است. وزن‌دهی شاخص‌ها نیز با استفاده از روش آنتروپی شانون صورت گرفته است.

به منظور شناسایی خوشه‌های خلاق فرهنگی در محدوده بافت تاریخی شیراز، از مدل‌های شاخص میانگین نزدیک‌ترین مجاورت، برای بررسی الگوی پراکندگی و از تحلیل شبکه همکاری، برای ارزیابی سطح همکاری واحدهای کسب‌وکار مرتبط استفاده گردید. در ادامه، سه مدل مورد استفاده تشریح شده است:

۱- روش تاپسیس: به طور خلاصه در روش

تاپسیس، ماتریس $n \times m$ که دارای m گزینه و n معیار می‌باشد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری، دارای مطلوبیت افزایشی یا کاهش‌یکنواخت است. به بیان دیگر، مقادیر زیاده‌تری که معیارها در این ماتریس کسب می‌کنند، اگر از نوع سود باشند،

هرچه مقدار آنها بیشتر باشند، دارای مطلوبیت بالاتر و اگر از نوع هزینه باشند، دارای مطلوبیت پایین‌تری هستند (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴).

۲- شاخص میانگین نزدیک‌ترین مجاورت: این شاخص، مبتنی بر اندازه‌گیری فاصله تک تک کاربری‌ها تا نزدیک‌ترین همسایه‌شان است و در تعیین هم‌گرایی و واگرایی انواع کاربری‌های مختلف، کاربرد دارد. هدف این نوع آنالیز این است که تعیین کند که آیا توزیع نقاط، تصادفی است یا خیر و نیز نوع الگوی پراکنش چگونه است (Camarero et al., 2000). در این روش، شاخص نزدیک‌ترین همسایه براساس میانگین فاصله از هر کاربری تا نزدیک‌ترین همسایه‌هایش محاسبه می‌شود. شاخص نزدیک‌ترین همسایه به صورت نسبت میانگین فاصله مشاهده شده به فاصله مورد انتظار بیان می‌شود. فاصله مورد انتظار در این روش، در نتیجه تجزیه و تحلیل کمیت Z به دست می‌آید که اگر این مقدار بین $1/96$ تا $1/96$ - باشد، اختلاف معناداری بین توزیع مشاهده شده و توزیع تصادفی وجود ندارد، در غیر این صورت، توزیع تجمع‌ی یکنواخت خواهد بود. شاخص میانگین نزدیک‌ترین همسایه از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$D_0 = \frac{\sum_{i=1}^n d_i}{n}$$

$$D_E = \frac{0.5}{\sqrt{n/A}}$$

که در این رابطه D_0 ، متوسط فاصله بین هر یک از شاخص‌ها به نزدیک‌ترین همسایه، D_E ، برابر با فاصله بین شاخص i و نزدیک‌ترین همسایه آن، n ، برابر با مجموع تعداد شاخص‌ها و A ، برابر با کل مناطق مورد مطالعه است (احد‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). در این تحقیق از نرم‌افزار GIS، جهت تحلیل و محاسبه شاخص نزدیک‌ترین همسایه استفاده شده است.

۳- تحلیل شبکه همکاری: در این تحقیق برای سنجش سطح همکاری، از شاخص‌های سطح کلان شبکه نهادی استفاده شده است. از شاخص‌های مهم

سنجش سطح پیوند، سنجش معیار تراکم شبکه است. علاوه بر این، میزان دوسویگی و تمرکز شبکه نیز بررسی گردیده است. در ادامه، این شاخص‌ها به‌طور مختصر توضیح داده شده‌اند:

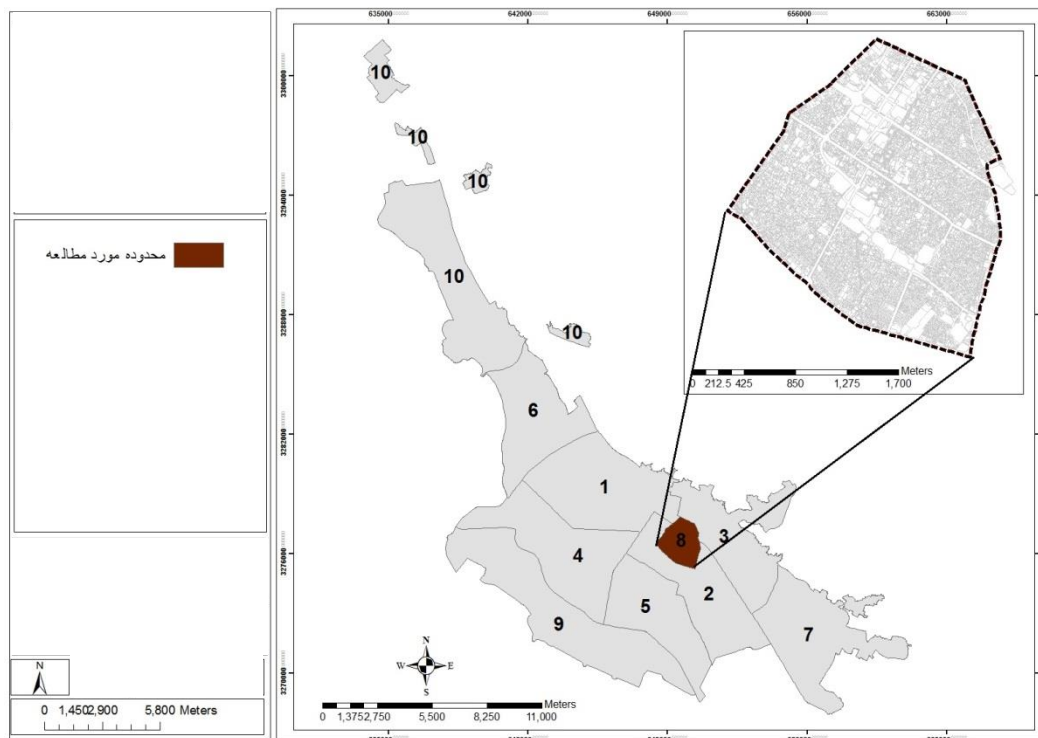
- تراکم: تعداد پیوند در شبکه نسبت به کل پیوندهای مورد نظر است. به‌طور کلی، افزایش تراکم شبکه نشان‌دهنده تقویت پیوندها و سطح همکاری در شبکه می‌باشد.

- تمرکز شبکه: درصدی از شبکه که تحت کنترل تعداد افراد محدود با موقعیت مرکزی در شبکه است. این شاخص در سطح کل براساس پیوندهای درونی و بیرونی محاسبه می‌شود.

- میزان دوسویگی پیوندها در شبکه: میزان دوسویگی، یکی از شاخص‌های مهم در تعیین میزان پایداری شبکه مورد نظر است. به منظور ارزیابی سطح همکاری، ابتدا ماتریس دودویی از روابط میان نهادهای ذی‌ربط، تشکیل و سپس داده‌ها در نرم‌افزار تحلیل شبکه UCINET 6.0، تحلیل می‌شوند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شیراز یکی از شهرهای تاریخی و گردشگری کشور است. موجودیت بافت تاریخی شیراز به قبل از دوره هخامنشیان باز می‌گردد. منطقه تاریخی- فرهنگی شیراز با وسعت تقریبی ۳۷۸ هکتار، بخشی از محدوده مرکزی شهر شیراز را شامل می‌شود که در سال ۱۳۹۰ دارای جمعیتی معادل ۴۴۳۷۹ نفر بوده و از هشت محله تشکیل شده است (وارثی و همکاران، ۱۳۹۱). این منطقه که خاستگاه اولیه شهر شیراز می‌باشد، زمانی مناسب‌ترین مکان سکونت در شهر بوده؛ ولی امروزه به دلیل معضلات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی، جاذبه خود را از دست داده و محل استقرار گروه‌های مختلف جامعه با پایگاه اجتماعی پایین شده است (نقشه ۱).



نقشه ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر شیراز

منبع: (یافته‌های تحقیق)

مؤسسات فرهنگی و هنری و موزه‌ها، شناسایی شدند. در مجموع، ۲۷۸ واحد تولید و عرضه محصول و خدمات مرتبط با صنایع خلاق فرهنگی شناخته‌شده که دارای ۳۸۳ نفر جمعیت شاغل می‌باشد (جدول ۱).

براساس ادبیات نظری صنایع خلاق، طیف زیادی از فعالیت‌ها را می‌توان در این گروه جای داد؛ با این حال، واحدهای کسب‌وکار و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با صنایع خلاق در منطقه تاریخی- فرهنگی شیراز در چهار رسته صنایع دستی و بومی، چاپ، نشر و رسانه،

جدول ۱- تعداد واحدها و شاغلان ذی‌ربط با صنایع فرهنگی در محدوده تاریخی- فرهنگی

نوع واحد	تعداد واحد فروش محصول یا عرضه خدمات	تعداد واحد تولید	کل شاغلان
واحدهای تولید و عرضه صنایع دستی و بومی	۱۱۷	۴۹	۱۹۷
مؤسسات فرهنگی و هنری	۳۸	-	۶۸
چاپ، نشر و رسانه	۴۵	۱۷	۱۰۲
موزه‌ها	۱۲	-	۱۶

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در مدل مفهومی با استفاده از تکنیک تاپسیس بررسی شدند. در این مطالعه، ۲۱ شاخص به منظور طبقه‌بندی سطح برخورداری، مورد استفاده قرار گرفته است که به ترتیب عبارتند از: X1: تعداد موزه‌ها، X2: تعداد سالن‌های سینما، X3: تعداد انتشارات، X4: تعداد

۵- یافته‌های تحقیق

طبقه‌بندی و رتبه‌بندی مناطق شهر شیراز براساس شاخص‌های شهر خلاق به منظور تبیین نقش توزیع فضایی شاخص‌های شهر خلاق در مناطق شهر شیراز، شاخص‌های بیان شده

شهری، X18: تعداد نگارخانه و آموزشگاه‌های هنری،
X19: تعداد محصلین و فارغ‌التحصیلان رشته هنر و
ادبیات، X20: تعداد رویدادهای فرهنگی در یک سال
اخیر و X21: میزان امنیت.

گام اول: در این مرحله، ماتریس پایه تکنیک
تاپسیس تشکیل گردید که در اینجا این ماتریس عبارت
است از: تعداد هریک از شاخص‌های مذکور در ۱۰
منطقه شهرداری شیراز (جدول ۲).

مؤسسات مرتبط با تولید و توزیع رسانه، X5: تعداد
آموزشگاه‌های موسیقی، X6: تعداد کتابخانه، X7: تعداد
کتابفروشی‌ها، X8: تعداد سالن‌های تئاتر و موسیقی،
X9: تعداد انجمن‌های ادبی و فرهنگی، X10: تعداد
کافی‌شاپ‌ها، X11: تعداد رستوران‌ها، X12: تعداد
عناصر شاخص، X13: تعداد مراکز آموزش صنایع دستی،
X14: تعداد کارگاه‌های صنایع دستی، X15: تعداد
فروشگاه‌های صنایع دستی، X16: تعداد مؤسسه‌های
فرهنگی، X17: تعداد کانون‌های آگهی و تبلیغات

جدول ۲- ماتریس اولیه شاخص‌های شهر خلاق در مناطق ۱۰گانه شیراز

منطقه	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20	X21
یک	۳	۴	۲۱	۷	۱۷	۵	۳۲	۳	۲	۴۰	۴۸	۳	۳	۶۹	۹	۳۷	۹	۲۲	۸۰۹۰	۱۳۰	۷
دو	۱	۲	۱۹	۵	۳	۵	۶	۱	۰	۲۰	۱۳	۱	۲	۳۱	۵	۲۲	۳	۶	۳۶۴۵	۹۷	۷
سه	۲	۰	۲	۱	۳	۹	۱۲	۳	۲	۳۷	۱۸	۱۰	۳	۴۲	۱	۱۱	۵	۵	۴۶۰۲	۵۴	۵
چهار	۰	۰	۸	۰	۳	۲	۶	۱	۰	۱۴	۱۳	۴	۰	۲۱	۱	۱۲	۳	۶	۶۷۱۸	۳۵	۳
پنج	۰	۰	۳	۰	۱	۲	۴	۰	۰	۷	۲	۲	۱	۸	۰	۶	۱	۲	۲۳۰۰	۴۷	۵
شش	۰	۱	۶	۳	۱۰	۳	۷	۲	۱	۲۶	۱۳	۸	۳	۱۶	۳	۶	۸	۶	۴۸۴۷	۳۸	۷
هفت	۰	۰	۰	۰	۱	۴	۴	۰	۰	۱۳	۳	۲	۰	۶	۱	۹	۰	۱	۲۷۵۹	۲۵	۱
هشت	۱۰	۱	۱۶	۵	۲	۷	۱۲	۰	۲	۲۰	۲۰	۲۰	۵	۱۰۳	۱۰۰	۹	۴	۲	۵۳۳	۱۵۰	۱
نه	۰	۰	۲	۰	۰	۳	۳	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۱۲	۰	۵	۰	۰	۲۰۰۰	۳۵	۵
ده	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۳	۰	۰	۱۰	۲۵	۱	۱	۱۹	۰	۱	۰	۳	۲۳۰۹	۴۴	۵

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نیستند، به تعداد پتانسیل‌های هر شاخص، با استفاده از
روش وزن‌دهی تحلیل سلسه‌مراتبی (AHP) و در
نرم‌افزار Export choice، به هر شاخص شهر خلاق در
سطح شهر، وزنی اختصاص داده شده است (جدول ۳ و ۴).

گام دوم و سوم: در مرحله دوم، ماتریس استاندارد
(بی‌وزن) تشکیل می‌شود و سپس در گام سوم، ابتدا هر
یک از شاخص‌ها را وزن‌دهی کرده و با ضرب ماتریس
استاندارد در اوزان خود، ماتریس بی‌مقیاس وزین، ایجاد
می‌شود. از آنجایی که اهمیت شاخص‌های مذکور یکسان

جدول ۳- وزن شاخص‌ها براساس روش وزن‌دهی AHP

وزن	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20	X21
	۰/۰۷۱	۰/۰۷۲	۰/۰۴۱	۰/۰۵	۰/۰۴۷	۰/۰۱۹	۰/۰۲۷	۰/۰۶۷	۰/۰۰۸	۰/۰۱۸	۰/۰۳۱	۰/۰۴۱	۰/۰۵۱	۰/۰۰۳	۰/۰۷۶	۰/۰۲۶	۰/۰۴۴	۰/۰۴۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	۰/۰۱۰۷

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول ۴- ماتریس استاندارد (وزین)

متغیر منطقه	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20	X21
۱	۰/۰۲	۰/۰۶۱	۰/۰۲۵	۰/۰۳۴	۰/۰۳۹	۰/۰۰۶	۰/۰۲۳	۰/۰۴۱	۰/۰۴۵	۰/۰۱	۰/۰۲۳	۰/۰۰۵	۰/۰۲	۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	۰/۰۱۹	۰/۰۲۸	۰/۰۳۶	۰/۰۰۹	۰/۰۳۷	۰/۰۴۷
۲	۰/۰۰۷	۰/۰۳۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۲۸	۰/۰۴۷
۳	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۴۱	۰/۰۴۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۱۷	۰/۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳
۴	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۱	۰/۰۲
۵	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۰۳۳
۶	۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	۰/۰۱۴	۰/۰۲۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۲۸	۰/۰۲۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۲۵	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	۰/۰۴۷
۷	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
۸	۰/۰۶۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱	۰/۰۳۴	۰/۰۳۴	۰/۰۲۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰۷
۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۱	۰/۰۳۳
۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۰۳۳

منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام چهارم و پنجم: مشخص نمودن حالت‌های

ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی (جدول ۵).

جدول ۵- مقادیر گزینه ایده‌آل مثبت و گزینه ایده‌آل منفی براساس شاخص‌های مورد مطالعه در تکنیک تاپسیس

گزینه	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11
ایده‌آل مثبت	۰/۰۶۶۷	۰/۰۶۱۴	۰/۰۲۴۹	۰/۰۳۳۶	۰/۰۳۹	۰/۰۱۱۴	۰/۰۲۲۷	۰/۰۴۱۳	۰/۰۴۴۵	۰/۰۱	۰/۰۲۳۳
گزینه ایده‌آل منفی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۲۱	۰	۰	۰/۰۰۰۵	۰
ایده‌آل مثبت	۰/۰۳۳۸	۰/۰۳۳۹	۰/۰۲۱۸	۰/۰۲۱۸	۰/۰۱۹۳	۰/۰۲۷۷	۰/۰۲۶۱	۰/۰۰۸۵	۰/۰۴۳	۰/۰۴۶۵	-
گزینه ایده‌آل منفی	۰/۰۰۱۷	۰	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰	۰/۰۰۰۵	۰	۰	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۷۲	۰/۰۰۶۶	-

منبع: (یافته‌های تحقیق)

ایده‌آل و دورترین فاصله از ناکارآمدترین مکان (منطقه ۷

شهرداری) می‌باشد.

گام ششم: تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیو

ایده‌آل و آلترناتیو حداقل (بهترین و بدترین وضعیت)

براساس جدول ۶، این نتیجه به‌دست آمد که

منطقه یک شهرداری، دارای کوتاه‌ترین فاصله از جواب

جدول ۶- فاصله ایده‌آل مثبت و منفی هر شاخص در مناطق ۱۰گانه شهرداری شیراز

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ۹	منطقه ۱۰
۰/۰۸۹۸	۰/۱۳۰۷	۰/۱۳۱۹	۰/۱۵۷۸	۰/۱۶۳۵	۰/۱۳۱۲	۰/۱۷۰۷	۰/۰۹۳۵	۰/۱۶۷۷	۰/۱۶۴۲
۰/۱۳۳۶	۰/۰۷۰۵	۰/۰۷۸۱	۰/۰۲۹۵	۰/۰۲۹۲	۰/۰۷۲۶	۰/۰۰۸۴	۰/۱۳۲۹	۰/۰۲۷۲	۰/۰۳۰۷

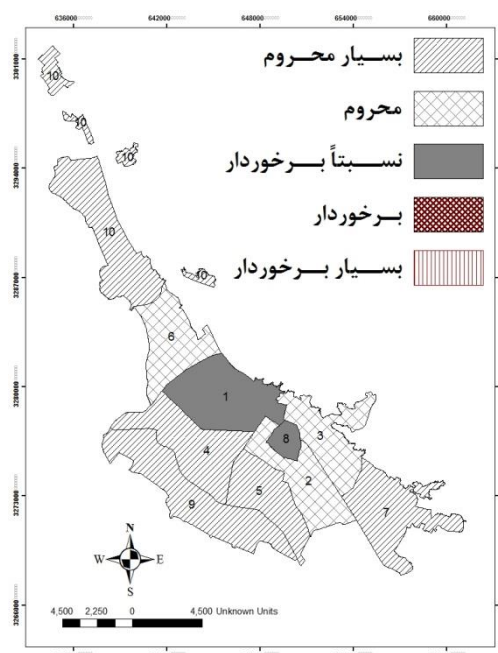
منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام هفتم و هشتم: محاسبه نزدیکی نسبی گزینه‌ها
 به وضعیت ایده‌آل و رتبه‌بندی آلترناتیوها (جدول ۷)
 رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس میزان ضریب
 برخورداری (C_i) صورت گرفته که $C_i = 1$ نشان‌دهنده
 کمترین رتبه است.

جدول ۷- میزان برخورداری شهر شیراز از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق

مناطق شهرداری	میزان برخورداری (C_i)	رتبه	سطح‌بندی
منطقه ۱	۰/۵۹۸۱	۱	تا حدی برخوردار
منطقه ۲	۰/۳۵۰۵	۵	محروم
منطقه ۳	۰/۳۷۲۰	۳	محروم
منطقه ۴	۰/۱۵۶۵	۷	بسیار محروم
منطقه ۵	۰/۱۵۱۲	۸	بسیار محروم
منطقه ۶	۰/۳۵۶۱	۴	محروم
منطقه ۷	۰/۰۴۶۸	۱۰	بسیار محروم
منطقه ۸	۰/۵۸۷۲	۲	تا حدی برخوردار
منطقه ۹	۰/۱۳۹۷	۹	بسیار محروم
منطقه ۱۰	۰/۱۵۷۵	۶	بسیار محروم

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نقشه ۲- طبقه‌بندی نهایی سطح برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس مدل تاپسیس، مناطق شهر در پنج سطح
 برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق، طبقه‌بندی
 گردیدند (نقشه ۲). این مناطق بر مبنای طیف لیکرت، به
 طبقه بسیار محروم (۰ تا ۰/۲)، محروم (۰/۲ تا ۰/۴)، تا
 حدی برخوردار (۰/۴ تا ۰/۶)، برخوردار (۰/۶ تا ۰/۸) و
 بسیار برخوردار (۰/۸ تا ۱)، سطح‌بندی شدند؛ لذا از
 مجموع مناطق ده‌گانه شیراز، مناطق یک و هشت، به
 ترتیب با سطح برخورداری ۰/۵۹۸۱ و ۰/۵۸۷۲، در طبقه
 نسبتاً برخوردار، مناطق سه، دو و شش، به ترتیب با
 ضریب برخورداری ۰/۳۷۲۰، ۰/۳۵۰۵ و ۰/۳۵۶۱ در

بسیار برخوردار (۰/۸ تا ۱)، سطح‌بندی شدند؛ لذا از
 مجموع مناطق ده‌گانه شیراز، مناطق یک و هشت، به
 ترتیب با سطح برخورداری ۰/۵۹۸۱ و ۰/۵۸۷۲، در طبقه
 نسبتاً برخوردار، مناطق سه، دو و شش، به ترتیب با
 ضریب برخورداری ۰/۳۷۲۰، ۰/۳۵۰۵ و ۰/۳۵۶۱ در

طبقه محروم و مناطق چهار، پنج، هفت، نه و ده، به ترتیب با سطح برخورداری ۰/۱۵۶۵، ۰/۱۵۱۲، ۰/۰۴۶۸، ۰/۱۳۹۷ و ۰/۱۵۷۵، در طبقه بسیار محروم قرار دارند. با توجه به نتایج جدول ۷، هیچ یک از مناطق شهری شیراز در سطوح توسعه برخورداری و کاملاً برخورداری از شاخص‌های خلاقیت قرار ندارند. نقش مهم منطقه هشت شهرداری (بافت تاریخی- فرهنگی) در گردشگری شهر شیراز و تمرکز جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی، باعث شده تا فعالیت‌های مکمل این نقش که بسیاری از آنها در راستای شاخص‌های شهر خلاق می‌باشند، در منطقه شکل بگیرند. همچنین وجود بازارها و خانه‌های تاریخی، مکان مناسبی را برای استقرار برخی از شاخه‌های فعالیت‌های صنایع فرهنگی مانند: تولید، عرضه و آموزش صنایع دستی فراهم کرده است؛ با این وجود، کاهش کیفیت شاخص‌های اجتماعی- جمعیتی، کالبدی و اقتصادی در این منطقه، باعث شده تا این منطقه نتواند از حداکثر ظرفیت‌های خود برای تحقق شاخص‌های شهر خلاق استفاده کند. بنابراین، در ادامه به ارزیابی نحوه شکل‌گیری صنایع خلاق فرهنگی در محدوده پرداخته شده تا بدین مهم دست یابیم که آیا برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق در منطقه، از الگوی توسعه خوشه‌ای پیروی کرده است؟ به‌منظور توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق، محدوده تاریخی- فرهنگی شهر شیراز مستعد توسعه کدام خوشه‌های فرهنگی می‌باشد؟

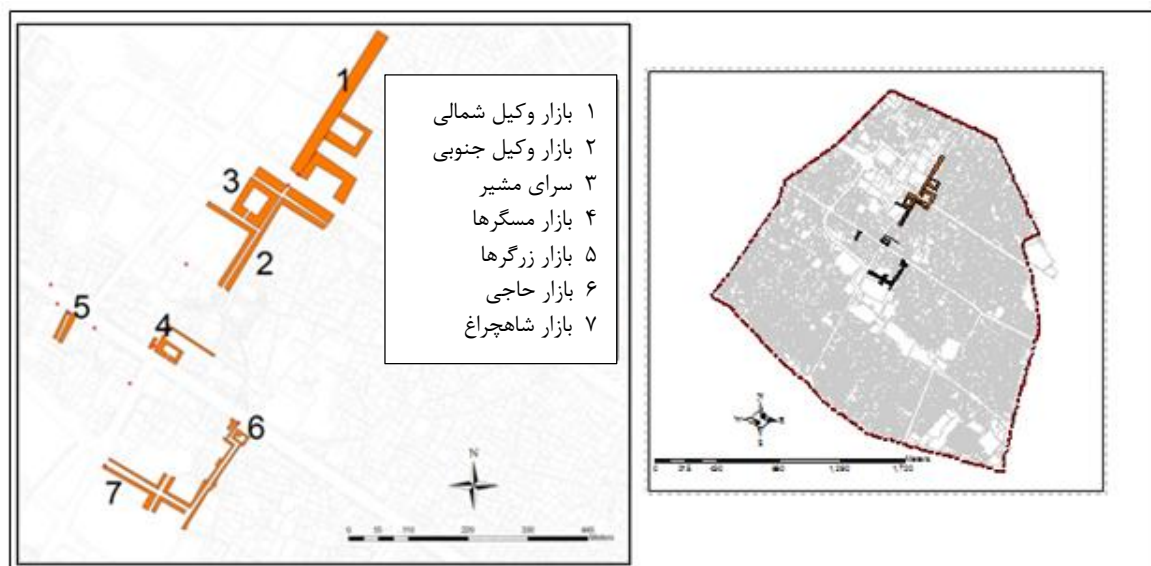
ارزیابی توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق فرهنگی در محدوده مورد مطالعه

با توجه به مفهوم خوشه، ارزیابی توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق فرهنگی، از دو بعد توزیع جغرافیایی واحدهای مرتبط با صنایع خلاق و نیز روابط همکاری میان واحدها و نهادهای مرتبط در محدوده مورد مطالعه، صورت می‌گیرد. در این راستا پاسخ به این دو سؤال، شناخت خوشه‌های صنایع خلاق فرهنگی را در محدوده میسر می‌سازد:

سؤال اول: آیا واحدهای کسب‌وکار صنایع خلاق در محدوده مورد مطالعه دارای توزیع جغرافیایی خوشه‌ای می‌باشند؟

توزیع جغرافیایی خوشه‌ای کسب‌وکار و صنایع، گامی مهم در راستای توسعه خوشه‌ای است. با نگاهی تاریخی به فضاهای کسب‌وکار در بافت تاریخی- فرهنگی شیراز، می‌توان دریافت که استقرار فضایی کسب‌وکار، برحسب نوع فعالیت به‌طور متمرکز، خوشه‌ای و پیوسته، با یکدیگر صورت گرفته و توزیع کسب‌وکار در بازار به‌صورت راسته‌های تخصصی، منجر به تحقق توسعه خوشه‌ای کسب‌وکار می‌شود؛ برای مثال بازار وکیل مرکب از چهار راسته است که به صورت شمالی- جنوبی و شرقی- غربی، برهم عمود شده‌اند و در میانه آن، چهارسوق قرار دارد. از محل چهارسوق، به ترتیب در جهت غربی راسته، ترکش‌دوزها (انواع قالی، زیرانداز و...)، در شرق، راسته علاقه‌بندان (نخ، قیتان، نوار ابریشم و...)، در جنوب، راسته بزازان (پارچه و منسوجات) و در شمال، راسته کلاه‌دوزان قرار داشته است. بازار شمشیرگران، بازار نو، اردو بازار، بازار مسگرها، بازار حاجی و بازار زرگرها، از بازارهای تاریخی منطقه می‌باشند که هر کدام فعالیت خاص خود را داشته‌اند.

با تغییر ساختار اقتصادی و بازشدن دروازه‌های شهر به روی کالاهای وارداتی، به تدریج فعالیت‌های سابق در راسته‌ها رنگ باخته و فعالیت‌های جدیدی جایگزین آنها شده است. کسب‌وکار و خدمات تجاری، از بازارها و کوچه‌ها به کنار خیابان‌ها کشیده شد و بدین ترتیب، راسته‌های سابق بدون هیچ تشخیص فعالیت‌ی به حیات کم‌رنگ خود ادامه می‌دهند. با بررسی راسته‌های فعالیت‌ی در محدوده بافت می‌توان دریافت که در حال حاضر، فعالیت‌های راسته‌ها شامل: خدمات عمده‌فروشی، خرده‌فروشی پوشاک، لوازم خانگی، خدمات فنی، علمی، حرفه‌ای و خوراک می‌باشد که در راستای توسعه خوشه‌ای صنایع فرهنگی قرار ندارد.



نقشه ۳- راسته‌های تخصصی شکل‌یافته در گذشته

منبع: (یافته‌های تحقیق)

به منظور پاسخ به سؤال یک، ابتدا واحدهای کسب‌وکار در رابطه با صنایع خلاق فرهنگ در محدوده بافت تاریخی- فرهنگی شیراز، شناسایی شدند (جدول ۸).

جدول ۸- مؤسسات و واحدهای کسب‌وکار شناخته شده مرتبط با صنایع خلاق فرهنگی در محدوده

نوع واحد	رسته فعالیت	نوع واحد	رسته فعالیت
واحدهای انتشارات	چاپ، نشر و رسانه	چاپ‌های سنتی	واحدهای تولید و عرضه صنایع دستی و بومی
چاپخانه		نساجی سنتی	
واحد تبلیغاتی		بافته‌های داری و زیرانداز	
کتابفروشی		پوشاک سنتی	
کتابخانه		صنایع دستی چرمی	
خرده‌فروشی انواع نوار و دیسکت		صنایع دستی سنگی	
دفتر مجله و روزنامه		صنایع دستی فلزی	
-		صنایع دستی چوبی	
-	موزه‌ها	فرهنگسرا	مؤسسات فرهنگی و هنری
		نگارخانه و نمایشگاه	
		مؤسسات فنی و حرفه‌ای	
		مؤسسات آموزش صنایع دستی	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نزدیک‌ترین مجاورت در نرم‌افزار GIS استفاده گردید (جدول ۹ و شکل ۳).

با شناسایی واحدهای کسب‌وکار خلاق در بافت تاریخی- فرهنگی شیراز، به منظور مشخص شدن نحوه توزیع جغرافیایی واحدهای کسب‌وکار، از مدل میانگین

جدول ۹- امتیاز پراکندگی واحدهای صنایع خلاق فرهنگی با استفاده از شاخص میانگین نزدیکترین مجاورت

واحدهای تولید و عرضه صنایع دستی	چاپ و نشر	مؤسسات فرهنگی و هنری	موزه‌ها
۰/۶۴	۰/۶۹	۱/۰۹	۰/۹۵
-۷/۶	-۴/۸۷	۰/۷۹	-۰/۳۱
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۲	۰/۷۵
منبع: (یافته‌های تحقیق)			
نرخ میانگین مجاورت			
نمره معیار Z-Score			
مقدار احتمال P-value			



شکل ۳- نحوه پراکنش فضایی مؤسسات و واحدهای مرتبط با صنایع خلاق فرهنگی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در مرحله بعد برای بررسی شکل‌گیری خوشه‌های خلاق، به بررسی زمینه‌های همکاری میان واحدهای کسب‌وکار مرتبط با صنایع خلاق فرهنگی در محدوده پرداخته شده است. از این رو سؤال دوم تحقیق عبارت است از:

آیا میان نهادهای واحدهای صنایع خلاق در

محدوده مورد مطالعه، همکاری وجود دارد؟

به منظور ارزیابی همکاری میان کسب‌وکارهای مرتبط، در مرحله اول، ماتریس دودویی همکاری برای هر رسته تشکیل می‌گردد. در این ماتریس‌ها، روابط درونی (روابط افقی و عمودی) و همچنین روابط بیرونی، مطالعه و به میزان و سطح ارتباط، از ۰ تا ۴، امتیاز داده می‌شود؛ بدین صورت که به ترتیب به عدم ارتباط یا بیش از یک سال یک ارتباط، امتیاز صفر، سالانه یک ارتباط، امتیاز یک، هر شش ماه یک ارتباط، امتیاز دو، هر ماه یک ارتباط، امتیاز سه، ارتباط هفتگی و بیشتر، امتیاز چهار داده شده است.

نتایج به‌دست آمده از مدل میانگین نزدیک‌ترین مجاورت که از مدل‌های مناسب در نشان دادن الگوی پراکنش است، در سه سطح پراکنده یا منظم (با $Z \text{ score } 1/65 \text{ تا } 2/58$)، پراکنش رندمی یا تصادفی ($Z \text{ score } < 1/65$) و الگوی خوشه‌ای (با $Z \text{ score } < -2/58$) ارائه می‌شود که در این زمینه، الگوی پراکنش واحدهای تولید و عرضه صنایع دستی و واحدهای مرتبط با چاپ و نشر، به ترتیب با نمره Z معادل $-7/6$ و $-4/87$ ، دارای الگوی خوشه‌ای و مؤسسات فرهنگی و هنری و موزه‌ها، به ترتیب با نمره Z معادل $0/79$ و $-0/31$ ، دارای الگوی پراکنش تصادفی یا رندمی هستند. بدین ترتیب از لحاظ جغرافیایی، تنها واحدهای تولید و عرضه صنایع دستی و واحدهای مرتبط با چاپ و نشر در محدوده بافت تاریخی و فرهنگی منطقه ۸، دارای الگوی خوشه‌ای هستند.

جدول ۱۰ - فهرست نهادهای اصلی مرتبط با هر خوشه

صنایع بومی و دستی	موزه	چاپ، نشر و رسانه	مؤسسات فرهنگی
اتحادیه صنایع بومی و دستی (X1)	اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (X1)	اتحادیه نوشتافزار (X1)	واحدهای آموزش صنایع دستی (X1)
معاونت صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (X2)	فرهنگ و ارشاد اسلامی (X2)	سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی (X2)	فرهنگ و ارشاد اسلامی (X2)
شرکت تعاونی فرش دستباف (X3)	واحدهای تولید صنایع دستی و هنری (X3)	تعاونی ناشران شیراز (X3)	میراث فرهنگی (X3)
فروشگاه‌های عرضه فرش دستباف (X4)	بنیاد فارس‌شناسی (X4)	خانه مطبوعات استان (X4)	سازمان فنی و حرفه‌ای (X4)
اتحادیه فرش دستباف (X5)	تولیت حرم مطهر شاه‌چراغ (X5)	انتشارات (X5)	انجمن‌های فرهنگی و ادبی (X5)
اتحادیه خاتم‌کاران (X6)	شهرداری (X6)	واحدهای تبلیغاتی (X6)	واحدهای آموزش هنری (X6)
تعاونی‌های تولید و عرضه صنایع دستی (X7)	-	-	-
کارگاه‌های تولید صنایع دستی (X8)	-	-	-
واحدهای عرضه (فروشگاه، نمایشگاه و ...) (X9)	-	-	-
شهرداری (X10)	-	-	-

منبع: (یافته‌های تحقیق)

براساس نتایج جدول ۱۱، بیشترین درصد تراکم (۳۶/۴ درصد) متعلق به شبکه نهادهای مرتبط با صنایع دستی می‌باشد؛ یعنی نهادهای این شبکه دارای بیشترین میزان پیوند با یکدیگر هستند. همچنین این میزان، درصد، نشان‌دهنده سطح پایین پیوند شبکه‌ای (کمتر از ۵۰ درصد) میان نهادهای مرتبط با این کسب‌وکار می‌باشد.

بیشترین میزان شاخص تمرکز در سطح کل شبکه براساس پیوندهای دریافتی هر نهاد، در خوشه موزه‌ها در حدود ۸۹ درصد می‌باشد. این میزان نشان می‌دهد که به طور تقریبی، ۸۹ درصد از پیوندهای شبکه در نهادهای مرتبط با موزه‌ها در اختیار کنش‌گران مرکزی و نهادهای کلیدی قرار گرفته است که اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، در رأس مرکزیت قرار دارد. میزان شاخص مرکزیت در ارتباط با چاپ، نشر و رسانه، صنایع دستی و بومی و مؤسسات فرهنگی،

به ترتیب معادل ۵۸/۳ درصد، ۴۳/۵ درصد و ۴۷/۵ درصد است که بیانگر در اختیار داشتن تقریباً نیمی از پیوندهای شبکه توسط کنش‌گران مرکزی است که به ترتیب شامل: معاونت صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی می‌باشد. شکل ۴، نشان‌دهنده نحوه ارتباط نهادهای هر رشته است. در این شکل، ضخامت خطوط، نشان‌دهنده شدت ارتباط و نیز تعداد خطوط متصل شده به هر گره، نشان‌دهنده تعداد پیوندهای هر نهاد می‌باشد.

در سطح درونی روابط هر رشته از فعالیت‌های فرهنگی، اتحادیه‌ها بعد از سازمان‌های دولتی، دارای نقشی مهم در ایجاد ارتباط درون صنفی می‌باشند که با توجه به این موضوع، این شکل می‌تواند در تسهیل خوشه‌سازی به عنوان حلقه رابط بین اصناف فعال در حوزه فعالیت‌های فرهنگی نیز نقش داشته باشد.

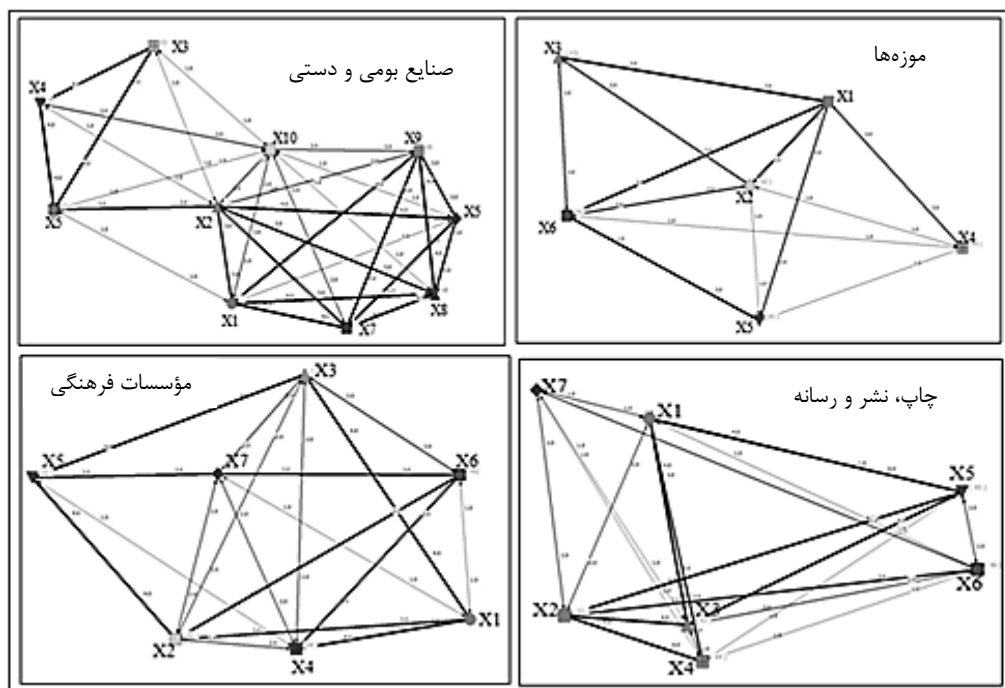
جدول ۱۱- اندازه شاخص‌های تراکم، تمرکز و دوسویگی در شبکه پیوندهای درونی نهادهای خلاق فرهنگی

تراکم (درصد)	اندازه شبکه	دوسویگی پیوندها (پایداری شبکه) (درصد)	تمرکز شبکه براساس پیوندهای درونی (درصد)
۱۸/۱۶	۴۹	۳۴	۸۹
۲۳/۷۱	۹۶	۴۴/۳	۵۸/۳
۳۶/۴	۱۶۰	۴۹/۵	۴۳/۵
۲۰	۹۸	۳۲/۵	۴۷/۵

منبع: (یافته‌های تحقیق)

روابط دوسویه در شبکه نهادی، پایداری شبکه و میزان انسجام نیز افزایش خواهد یافت و ساختار شبکه منسجم‌تری ایجاد می‌شود که در همکاری بین‌نهادی و ایجاد خوشه‌های فرهنگی مؤثر است.

نتایج شاخص دوسویگی پیوندها نیز نشان می‌دهند میزان ارتباطات متقابل در شبکه نهادی تمام رسته‌های فرهنگی در محدوده بافت تاریخی فرهنگی شیراز، از سطح متوسط (۵۰ درصد) پایین‌تر می‌باشد. با تقویت



شکل ۴- روابط همکاری نهادهای ذی‌ربط خوشه‌های فرهنگی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

این تحقیق با هدف بررسی زمینه‌های بازآفرینی بافت تاریخی- فرهنگی شهر شیراز براساس تولید

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

فرهنگی، ابتدا جایگاه این محدوده در شهر شیراز از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق را مورد بررسی قرار داده و سپس به ارزیابی توسعه خوشه‌ای فعالیت‌های فرهنگی در محدوده پرداخته است. با توجه به ارزیابی جایگاه منطقه در شهر شیراز، محدوده مورد مطالعه با ضریب برخورداری ۵۸/۰، در طبقه نسبتاً برخوردار از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق در شهر شیراز قرار دارد. گردشگری بافت تاریخی- فرهنگی در شهر شیراز و تمرکز جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی، باعث شده تا فعالیت‌های مکمل این نقش که بسیاری از آن‌ها در راستای شاخص‌های شهر خلاق می‌باشند، در منطقه شکل بگیرد. همچنین وجود بازارها و خانه‌های تاریخی، مکان مناسبی را برای استقرار برخی از شاخه‌های صنایع فرهنگی مانند: تولید، عرضه و آموزش صنایع دستی، فراهم آورده است. همچنین برخی رسته‌های فعالیتی که به عنوان صنایع فرهنگی شناخته می‌شوند، به‌طور سنتی در محدوده بافت وجود داشته و به حیات خود ادامه می‌دهند؛ بدین ترتیب این محدوده، جایگاه مطلوب‌تری را از لحاظ تحقق شاخص‌های شهر خلاق در سطح شیراز کسب کرده که در این تحقیق به عنوان پتانسیل بازآفرینی محدوده مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، استفاده از این پتانسیل به عنوان نیروی محرک بازآفرینی، نیازمند توسعه خوشه‌ای کسب‌وکار خلاق می‌باشد؛ لذا توسعه خوشه‌ای فعالیت‌ها در قالب دو مؤلفه نحوه پراکنش جغرافیایی و میزان روابط همکاری ارزیابی شده است.

براساس تحلیل و ارزیابی مشخصه دوگانه خوشه (تمرکز جغرافیایی و روابط همکاری) در صنایع خلاق بافت تاریخی- فرهنگی شیراز، دو رسته فعالیت صنایع بومی و دستی و صنایع مرتبط با چاپ، نشر و رسانه با نمره Z ، به ترتیب ۶/۷- و ۴/۸- به شکل خوشه‌ای در محدوده توزیع یافته‌اند؛ با این حال بررسی روابط همکاری میان واحدها و نهادهای مرتبط در قالب شاخص‌های تحلیل شبکه، نشان از سطح بسیار پایین

روابط و همکاری بین نهادهای و بنگاه‌های مرتبط دارد. میزان بالای شاخص تمرکز بیانگر این است که کنش‌گران مرکزی در شبکه صنایع خلاق محدوده را یکی دو نهاد دولتی تشکیل می‌دهند که نقش کلیدی در رسته‌های مرتبط دارند. همچنین سطح پایداری پیوندها در همه رسته‌ها، کمتر از میانگین است که بیانگر ارتباط ضعیف و ناپایدار نهادهای و بنگاه‌های ذیربط می‌باشد. همچنین در سطح درونی روابط هر رسته از فعالیت‌های فرهنگی، اتحادیه‌ها دارای نقش مهمی در ایجاد ارتباط درون‌صنفی هستند که این تشکلهای می‌توانند نقش مؤثری در تسهیل خوشه‌سازی به عنوان حلقه رابط بین اصناف فعال در حوزه فعالیت‌های فرهنگی داشته باشند.

با تحلیل موضوع، این نتیجه به‌دست آمد که با وجود توزیع جغرافیایی خوشه‌ای صنایع بومی و دستی و نیز کسب‌وکار مرتبط با چاپ و نشریات، سطح پایین همکاری و پیوند نهادهای مرتبط، باعث شده تا توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق فرهنگی در منطقه تحقق نیابد. همچنین سایر رسته‌های شناخته شده صنایع خلاق در منطقه نیز فاقد هر دو مشخصه خوشه؛ یعنی تمرکز جغرافیایی و روابط همکاری هستند.

از یک‌سو مدیریت سنتی کسب‌وکارها، واگرایی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، عدم توجه به روابط نهادی، تعدد تصمیم‌گیری‌ها و فقدان درک اهمیت روابط همکاری از سوی کسب‌وکارها و نهادهای مرتبط، فضای فعالیت‌های فرهنگی را به سمت حرکت‌های انفرادی و خرد و در نتیجه، آسیب‌پذیر سوق داده است و از سوی دیگر، ساخت مجتمع‌های تجاری و مراکز خرید لوکس و تبدیل الگوهای بازار سنتی به الگوهای شبه‌مدرن که متأثر از درک نادرست از توسعه است، منجر به ایجاد پروژه‌هایی مانند: مجتمع‌های تجاری بین‌الحرمین، نیکان و نیز مجتمع زندیه شده است که علاوه بر تخریب بالغ بر ۴۰۰ قطعه تاریخی که به نوعی بستر فیزیکی شکل‌گیری خوشه‌های فرهنگی محسوب می‌گردند، بدون هیچ تشخیص فعالیت‌ی و بی‌ارتباط با پتانسیل محدوده در

هستند؛ برای مثال تشکیل اتحادیه ناشران و مستقل کردن آن از اتحادیه نوشت افزار یا جدا کردن اتحادیه خاتم کاران از اتحادیه ساعت سازان - سیاست گذاری به منظور بسط و تسهیل مشارکت و سرمایه گذاری بخش خصوصی.

۷- منابع

احدزاد روشتی، محسن؛ صالحی میشانی، حیدر؛ وثوقی راد، لیلا؛ حسینی، سید احمد. (۱۳۹۲). نقش ارکان اصلی شهر ایرانی اسلامی در مکان‌گزینی مراکز اقامتی (موردشناسی: شهرزنجان)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، ۷(۳)، ۱۲۵-۱۱۱.

حاجی‌نژاد، علی؛ فتاحی، احداالله؛ پایدار، ابوذر. (۱۳۹۴). کاربرد مدل‌ها و فنون تصمیم‌گیری در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی- شهری و گردشگری، تهران: جهاد دانشگاهی.

ضرغام، حمید؛ حاجی محمد امینی، صمد. (۱۳۹۰). امکان‌سنجی خوشه گردشگری در شهرستان بندر انزلی، فصلنامه مطالعات جهانگردی (مطالعات گردشگری)، شماره ۱۴، ۱۲۳-۹۳.

قربانی، رسول؛ حسین آبادی، سعید؛ طورانی، علی. (۱۳۹۲). شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۳(۱۱)، ۱۸-۱.

لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، ۶۰-۴۷.

محمدی، کمال؛ مجیدفر، فرزانه. (۱۳۸۹). دوران شهرهای خلاق، ماهنامه شهرداری‌ها، ۱۱(۱۰۰).

محمدی، محمود؛ چنگلواپی، یونس. (۱۳۹۲). بررسی نقش صنایع و خوشه‌های فرهنگی و خلاق در مرمت بافت‌های تاریخی- شهری، مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، ۳(۶)، ۱۲۷-۱۱۱.

ملکان، جاوید. (۱۳۹۰). بررسی اثرات نسبت تمرکز و صرفه‌های ناشی از مقیاس بر سودآوری در بخش صنعت ایران، فصلنامه روند (روند پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۹(۵۸)، ۹۹-۱۲۵.

توسعه صنایع خلاق به فعالیت‌های خود شکل داده‌اند و به واگرایی فعالیت‌های منطقه دامن زده‌اند. اجتناب از این نوع اقدامات و پروژه‌های پراکنده و مخرب، نیازمند تغییر دیدگاه به بازآفرینی محدوده و تدوین برنامه‌ای جامع جهت توسعه و تقویت صنایع خلاق است.

با توجه به عدم شکل‌گیری توسعه خوشه‌ای صنایع خلاق در محدوده، فعالیت‌های مرتبط با این صنایع دارای مزیت‌هایی زیر جهت تبدیل به خوشه می‌باشند:

- سطح مناسب برخورداری محدوده از شاخص‌های شهر خلاق

- تعدد و تنوع قابل توجه اعضای فعال در صنایع خلاق محدوده (رسته‌های فعالیت‌های متنوع)

- فعالیت بیش از ۲۷۸ واحد فعال تولید و عرضه محصول و خدمات مرتبط با صنایع خلاق فرهنگی در محدوده‌ای به وسعت ۳۷۸ هکتار

- شرایط عامل قوی (جذابیت‌های تاریخی و فرهنگی منحصربه‌فرد)

- وجود راسه بازارها و گذرهای تاریخی که به‌طور سنتی محل استقرار مشاغل قدیمی و صنایع بومی هستند.

- برخورداری از شرایط تقاضای مناسب.

همچنین تقویت خوشه‌سازی و توسعه فعالیت‌های مربوطه، نیازمند اعمال سلسله اقداماتی بنیادی و اجرایی می‌باشد. برخی از این اقدامات عبارتند از:

- اجرای سیاست‌های مؤثر و کارآمد تغییر کاربری در راستای توسعه صنایع خلاق و فرهنگی در محدوده

- سیاست‌گذاری در راستای احیای بازارها و راسه‌های تخصصی قدیمی با تغییر تدریجی فعالیت‌ها به سوی صنایع فرهنگی

- تقویت و ایجاد پیوندهای مؤثر بین اصناف، نهادها و بنگاه‌های ذی‌ربط با ایجاد نهادهای پشتیبان و حمایت‌کننده

- تخصصی نمودن اتحادیه‌های که دارای نقش مهمی در ایجاد ارتباط درون صنفی و برون صنفی

- Landry, C. (2000). *The creative city: a toolkit for urban innovators*. London: Earth scan.
- Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The Creative City*, New York: DEMOS.
- Malek Abadi, R. M. M., Saghaei, M., & Iman, F. (2014). Analysis of Creative City Indicators in Isfahan City, Iran. World Academy of Science, Engineering and Technology, *International Journal of Civil, Environmental, Structural, Construction and Architectural Engineering*, 8(8), 925-930.
- Markusen, A., & King, D. (2003). *The artistic dividend: The arts' hidden contributions to regional development*. Project on Regional and Industrial Economics, Humphrey Institute of Public Affairs, University of Minnesota.
- McCarthy, J. (2006). Regeneration of cultural quarters: public art for place image or place identity?. *Journal of Urban Design*, 11(2), 243-262.
- Mommaas, H. (2004). Cultural clusters and the post-industrial city: towards the remapping of urban cultural policy. *Urban studies*, 41(3), 507-532.
- Nordin, S. (2003). *Tourism clustering & innovation: Paths to economic growth & development*. Etour.
- Rasmussen, L. J., Sieck, W. R., & Osland, J. (2010). Using cultural models of decision making to develop and assess cultural sensemaking competence. *Advances in Cross-Cultural Decision Making*. Boca Raton, FL: CRC Press, Taylor & Francis Group.
- Richards, G., & Palmer, R. (2010). Eventful Cities: Cultural management and urban regeneration. A Butterworth-Heinemann Title.
- Roberts, M. (2006). From 'creative city' to 'no-go areas'—The expansion of the night-time economy in British town and city centres. *Cities*, 23(5), 331-338.
- Sasaki, M. (2008). Developing creative cities through networking. *Policy Science*, 15(3), 77-88.
- وارثی، حمیدرضا؛ تقوایی، مسعود؛ رضایی، نعمت الله. (۱۳۹۱). ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)، مجله علمی تخصصی - برنامه ریزی فضایی، ۲(۲) (پیاپی ۶)، ۱۵۶ - ۱۲۹.
- Altenburg, T., & Meyer-Stamer, J. (1999). How to promote clusters: policy experiences from Latin America. *World development*, 27(9), 1693-1713.
- Bagwell, S. (2008). Creative clusters and city growth. *Creative Industries Journal*, 1(1), ۳۱-۴۶.
- Binns, L. (2005). *Capitalising on culture: an evaluation of culture-led urban regeneration policy*. Dublin: Futures Academy.
- Brecknock, R. (2004). Creative capital: creative industries in the "creative city". Retrieved March, 3, 2007.
- Camarero, J. J., Gutiérrez, E., & Fortin, M. J. (2000). Spatial pattern of subalpine forest-alpine grassland ecotones in the Spanish Central Pyrenees. *Forest Ecology and Management*, 134(1), 1-16.
- Caves, R. E. (2000). *Creative industries: Contracts between art and commerce*. Harvard University Press.
- Cinti, T. (2008). Cultural clusters and districts: the state of the art. *Creative cities, cultural clusters and local economic development*, ۷۰-۹۲.
- Dimaggio, P. J., & Powell, W.W. (1983). The iron cage revisited' institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields, *American Sociological Review*, ۴۸(۲), ۱۴۷-۶۰.
- Edensor, T., Leslie, D., Millington, S., & Rantisi, N. (Eds.). (2009). *Spaces of vernacular creativity: Rethinking the cultural economy*. London: Routledge.
- Florida, R. (2002). The rise of the creative class, and how it is transforming work, leisure, community and everyday life. New York.
- Gollub, J., Hosier, A., & Woo, G. (2002). Using cluster-based economic strategy to minimize tourism leakages. *ICF Consulting, San Francisco, California*.

Scott, A. J. (2001). Globalization and the rise of city-regions. *European Planning Studies*, 9(7), 813-826.